



ارتباط ساختاری سازمان شخصیت مرزی و روابط موضوعی: نقش واسطه‌ای مقاومت‌پذیری در دختران و پسران جوان

دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
استادیار، گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
گروه مشاوره خانواده، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

فائزه ناصح جهقی ^{id}

حسن میرزاحسینی* ^{id}

نادر منیرپور ^{id}

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳ | پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۲ | ایمیل نویسنده مسئول: mirzahoseini.hasan@yahoo.com

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷
<http://Aftj.ir>

دوره ۳ | شماره ۴ پیاپی ۱۳ | ۵۵۵-۵۴۱
زمستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تبیین سازمان شخصیت مرزی براساس روابط موضوعی اولیه، و مقاومت‌پذیری انجام شد. **روش پژوهش:** این پژوهش از نوع توصیفی بود که به روش همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه‌های تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بود، که ۴۱۲ نفر از آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان پرسش‌نامه‌های روابط موضوعی بل و همکاران (۱۹۸۵)، سازمان شخصیت مرزی کرنبرگ (۲۰۰۲) و مقیاس مقاومت‌پذیری عاشور پور و همکاران (۲۰۱۰) را تکمیل کردند. مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از داده‌های بدست آمده از پرسش‌نامه‌ها انجام شد. یافته‌ها: نتایج نشان داد که روابط موضوعی به طور مستقیم ۰/۲۹ درصد و به واسطه مقاومت‌پذیری ۰/۱۹ درصد از ساختار شخصیت مرزی را تبیین می‌کند. در مجموع، برآورد مدل ساختاری که در آن روابط موضوعی متغیر پیش‌بین و مقاومت‌پذیری به عنوان متغیر میانجی وارد مدل شدند، نشان داد که این مدل ۰/۱۹ درصد از ساختار شخصیت مرزی را تبیین می‌کند ($P < 0/01$). نتیجه‌گیری: بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که سازمان شخصیت مرزی تنها به صورت غیرمستقیم و از طریق مقاومت‌پذیری، توسط روابط موضوعی به صورت منفی تبیین می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: روابط موضوعی اولیه، ساختار شخصیت مرزی، مقاومت‌پذیری.

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(ناصر جهقی، میرزاحسینی و منیرپور، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

ناصر جهقی، ف.، میرزاحسینی، ح.، و منیرپور، ن. (۱۴۰۱). ارتباط ساختاری سازمان شخصیت مرزی و روابط موضوعی: نقش واسطه‌ای مقاومت‌پذیری در دختران و پسران جوان. *خانواده درمانی کاربردی*، ۳(۴)، ۵۵۵-۵۴۱.

مقدمه

مدل کرنبرگ (۱۹۸۴) از سازمان شخصیت^۱ آسیب‌شناسی روانی را به صورت بعدی با حوزه‌های کلیدی عملکرد شخصیت توصیف می‌کند. هدف این مدل به جای تمرکز بر علائم بیرونی، به تصویر کشیدن ساختار شخصیتی در پشت رفتار مشاهده شده است (هورز-سگستر، اوهمی و کمپ، ۲۰۲۱). در چارچوب نظری کرنبرگ سه کارکرد ایگو وجود دارد که در درجه اول سطح سازمان شخصیت را تعریف می‌کنند: آشفتگی هویت، دفاع اولیه و آزمایش واقعیت (لنزونگر، مک‌کلو، کلارکین و کرنبرگ، ۲۰۱۲). در دو سطح آسیب شخصیت نرووتیک و مرزی صفات شخصیت ناسازگارانه، احتمالاً به صورت بازداری رفتارهای بهنجار و الگوهای رفتاری بازداری یا به صورت تشدید رفتارهای خاص (الگوهای رفتاری واکنشی) بروز می‌کند. تظاهرات رایج دیگر این دو سطح آسیب شخصیت عبارت است از بازداری‌های مرتبط با جنسیت، صمیمیت و موفقیت شغلی. این کنش‌وری‌های پایین‌تر از حد بهینه معمولاً باعث ناکامی و ناامیدی برای افراد می‌شود که علی‌رغم تلاش زیاد، خود را در تغییر دادن این حیطه‌ها ناتوان می‌یابند، در سطح سایکوتیک، که شدیدترین آسیب شخصیت را دارد، حس فرد نسبت به دیگران دارای یکپارچگی ضعیف، سطحی، متغیر و غیر واقع بینانه است، روابط میان فردی سطحی و ناپایدار است، عدم سرمایه‌گذاری در کار و فعالیت‌های تفریحی دیده می‌شود، دفاع‌های مبتنی بر دو نیم‌سازی غالب هستند، خشکی شدید شخصیت وجود دارد، واقعیت‌سنجی اساساً سالم اما در موقعیت‌های عاطفی مختل و نظام ارزشهای متناقض و به طور ناقص درونی شده است. سطح پایین شخصیت، به عنوان سازمان شخصیت مرزی شناخته می‌شود که با هویت آشفته و مکانیسم‌های دفاعی ابتدایی مثل جداسازی مشخص می‌شود (کواکس و همکاران، ۲۰۲۱).

سطح مرزی سازمان شخصیت نیز دارای سه ویژگی آزمونگری واقعیت متغیر، استفاده از دفاع‌های روانشناختی نخستین و سردرگمی هویت است (کلیگر، کرنبرگ، و کلارکین، ۲۰۰۷). سازمان شخصیت مرزی در مرز بین نرووتیک و سایکوتیک قرار گرفته و با بی‌ثباتی فوق‌العاده عاطفه، خلق، رفتار و مشکلات مربوط به "روابط موضوعی" مشخص می‌شود. کرنبرگ معتقد است که پاره‌ای از اختلالات شخصیتی، ریشه در سازمان شخصیت مرزی دارند (لنزونگر و همکاران، ۲۰۰۱). این گونه افراد از آزمون‌گری واقعیت خوبی برخوردار بوده، ولی در عین حال آسیب‌پذیر هستند، از سردرگمی هویت رنج می‌برند و دفاع‌هایی در سطح دفاع‌های روانشناختی نخستین دارند (اورلینگز-بونتکوئه و همکاران، ۲۰۱۰)، چنین الگویی شبیه به شخصیت‌های ضداجتماعی، خودشیفته، مرزی، پرخاشگر-منفعل، وابسته و نمایشی است (هبرت و همکاران، ۲۰۰۳). در نظریه‌های روان‌پویشی، روابط موضوعی سازه‌ای بنیادین است که نقش اساسی در تبیین سلامت، انواع ریخت‌های آسیب‌شناختی و حتی ساختارهای شخصیتی دارد. در جمع‌بندی تعاریف، روابط موضوعی را می‌توان بازنمایی‌های^۲ فرد از خود و دیگران و عواطف همراه با این بازنمایی‌ها (وستن، ۱۹۹۱؛ هندلزالتز و همکاران، ۲۰۱۴)؛ یا به عبارتی ظرفیت افراد برای برقراری روابط انسانی تعریف کرد که در سال‌های نخست زندگی شکل می‌گیرد (کلی، ۲۰۱۴) در میان نظریه‌پردازان روابط موضوعی، حوزه‌های اساسی مورد توافقی وجود دارد که پایه‌های درک جمعی است؛ مانند اینکه شخصیت از خلال تجارب در روابط اوایل کودکی

¹ Personality organization

² Representation

شکل می‌گیرد و بازنمایی‌های درونی خود-دیگری را ایجاد می‌کند. موضوع‌های درونی توسط الگوهای موجود در تجربه شخص از مراقبت شدن در دوران طفولیت شکل می‌گیرد که ممکن است بازنمایی دقیقی از مراقبت‌کنندگان حقیقی و بیرونی او باشد یا نباشد. اشیاء معمولاً تصاویر درونی‌سازی شده مادر، پدر یا مراقبت‌کنندگان شخص هستند؛ اما می‌توانند بخشی از یک شخص هم باشند (که به آن شی جزئی گفته می‌شود)، مانند ارتباط نوزاد با اعضای از بدن مادر که نقش تغذیه‌کننده برای او دارند یا آنچه در دنیای درونی فرد وجود دارد (تصاویر درونی‌سازی شده فرد از دیگران) (رینکاینن و جلااس، ۲۰۱۵). به صورت کلی توانمندی ایگو تعیین‌کننده بسیار مهمی در سلامت ساختار خود و سلامت شخصیت است و باعث افزایش سلامت روان می‌گردد. ارتباط متقابل بین مکانیسم‌های دفاعی و چالش با آن‌ها و بروز انتقال یکی از مفروضه‌های زیربنایی درمان‌های روانپوشی است که به‌عنوان عامل دوگانه نامیده می‌شود (قنادزادگان و همکاران، ۲۰۲۱).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ارتباط روابط اولیه کودک با افراد مهم زندگی با شکل‌گیری شخصیت، صرفاً به‌طور نسبی تبیین‌گر هستند و متغیرهای واسطه‌ای زیادی درگیر هستند (عباسی‌راد، منیرپور و میرزا حسینی، ۲۰۲۱). یکی از این متغیرهای میانجی، مقاومت‌پذیری افراد است. مقاومت به‌عنوان مفهومی بالینی از نظر فروید در تلاش‌هایش برای فراخوانی خاطرات فراموش شده بیماران مطرح شد. در روانکاوی، هر آنچه در بیمار در جهت خلاف تلاش‌های روانکاو برای تأثیر و نفوذ روی بیمار بود، مقاومت تلقی می‌شد. از نظر فروید، این گرایش‌ها مخالف در موقعیت درمانی، بازتابی از همان نیروهایی بودند که باعث به وجود آمدن و حفظ گسستگی (سرکوبی) خاطرات دردناک از هشیاری شده بودند. تهدید ناشی از بالا آمدن افکار و عواطف ناخوشایند، انگیزه‌ی مقاومت به حساب می‌آمد. مشخصه‌ی افکاری که سرکوب شده و مقاوم به یادآوری بودند این بود که همگی ماهیتی ناراحت‌کننده دارند که مسئول برانگیخته شدن عواطف شرم، سرزنش خود، درد روانی و احساس آسیب‌دیدگی هستند. از نظر فروید پدیده‌ی بالینی مقاومت نه به صورت منحصر به فرد، اما به طور نزدیکی با کل حوزه‌ی مکانیسم‌های دفاعی بیمار مرتبط بود. با وجود اینکه مقاومت با سرکوبی رابطه‌ی اختصاصی داشت، اما فروید اغلب اصطلاح سرکوبی را با دفاع به معنای کلی آن مترادف می‌دانست. مکانیسم‌های دفاعی به هدف مقابله با موقعیت‌های خطر به وجود می‌آیند و به کار گرفته می‌شوند و انواع گوناگونی دارند. فروید توضیح داد که مکانیسم‌های دفاعی معطوف به پیشگیری از تکرار خطری پیشین، در درمان به صورت مقاومت در برابر بهبودی ظاهر می‌شوند. فروید بارها به رابطه‌ی بین نوع مقاومتی که بیمار نشان می‌دهد و ماهیت سازمان دفاعی زیرین آن پرداخته است. آنا فروید نیز بر این مسئله تأکید کرده است که مقاومت‌ها تا چه حد می‌توانند اطلاعاتی در مورد کارکرد روانی بیمار فراهم آورند. بنابراین، مقاومت‌ها از آنجا که بازتاب نوع تعارض و دفاع مورد استفاده‌اند، به خودی خود موضوع مطالعه‌ی تحلیلی شدند (سندلر، دیر، هولدر و درهر، ۲۰۱۸). باتوجه به موضوعات مطرح شده، در این پژوهش به بررسی نقش واسطه‌ای مقاومت‌پذیری در ارتباط روابط موضوعی و سازمان شخصیت مرزی می‌پردازیم. بنابراین سوال پژوهش حاضر بدین قرار است: آیا مقاومت‌پذیری در ارتباط بین روابط موضوعی و سازمان شخصیت مرزی نقش واسطه‌ای دارد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، از نوع بنیادی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، کلیه دانشجویان دانشگاه‌های تهران می‌باشد. روش نمونه‌گیری این پژوهش

نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. حداقل حجم لازم برای پژوهش حاضر براساس شاخص پرکاربرد N بحرانی هولتر محاسبه شده است که این مقدار برای مدل فرضی پژوهش و براساس متغیرهای مکنون و مشهود برابر ۱۴۲/۱۴ به دست آمد. هم‌چنین، با در نظر گرفتن حداقل حجم مورد نیاز هنگامی که متغیرهای مشهود مدل (در مدل فرضی پژوهش حاضر، ۲۵ پارامتر) بین ۱۰ تا ۱۵ متغیر باشد، حجم نمونه باید بین ۲۵۰ تا ۴۰۰ نفر باشد. از این رو، کل نمونه انتخاب شده در این پژوهش ۴۴۱ نفر است. ابزارهای پژوهش به شرح زیر بودند:

ابزار پژوهش

۱. **مقیاس روابط موضوعی و واقعیت آزمایی بل:** این مقیاس، یکی از پرکاربردترین مقیاس‌ها در حوزه سنجش روابط موضوعی که توسط بل و همکاران (۱۶) ساخته شد، مقیاس روابط موضوعی بل ۴۵ ماده با پاسخ‌دهی به صورت درست نادرست دارد که روابط موضوعی را در قالب چهار عامل دلبستگی ناایمن، بیگانگی، بی‌کفایتی اجتماعی و خودمیان‌بینی می‌سنجد (۱۶). این آزمون همچنین ۴۵ گویه دیگر نیز دارد که سه عامل تحریف واقعیت، عدم قطعیت ادراک و هذیان و توهم برای سنجش واقعیت را شامل می‌شود. برای نمره‌گذاری عامل‌ها به هر ماده در زیر هر عامل نمره‌ای بین ۰ تا ۲ داده و سپس نمره ماده‌های مربوط به آن باهم جمع می‌شود. بل (۱۹۸۵) ضرایب اعتبار بازآزمایی چهار هفته‌ای زیرمقیاس‌های آن را ۰/۵۸ تا ۰/۹۰ و همسانی درونی آن‌ها را ۰/۷۸ تا ۰/۹۰ گزارش کرده است. ارباب و همکاران (۲۰۲۰) پایایی آزمون از طریق آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۶۹، ۰/۸۱، ۰/۶۴ محاسبه شد.

۲. **پرسش‌نامه سازمان‌یافتگی شخصیت:** برای اندازه‌گیری سازه سازمان شخصیت از پرسش‌نامه سازمان‌یافتگی شخصیت کرنبرگ (IPO) فرم ۳۷ سوالی سیاهه سازمان شخصیت کرنبرگ (۲۰۰۲) استفاده گردید. این سیاهه، دارای سه بعد واقعیت، دفاع‌های روان‌شناختی نخستین و سردرگمی هویت است. در مدل کرنبرگ از سازمان شخصیت، حاصل جمع سه عامل دفاع‌های روان‌شناختی نخستین، سردرگمی هویت و آزمون واقعیت، بیانگر آسیب‌پذیری کلی شخصیت (شخصیت مرزی) و حاصل جمع نمرات دو بعد دفاع‌های روان‌شناختی نخستین و سردرگمی هویت ملاک کلی شخصیت مرزی می‌باشد. اعتبار و روایی این پرسش‌نامه در ایران توسط منجم و همکاران (۲۰۱۸) مشخص شده است. روایی همزمان این سیاهه سازمان شخصیت از طریق اجرای همزمان پرسش‌نامه باس-پری و مقایسه عاطفه مثبت و منفی انجام گردید که ضرایب همبستگی بین سیاهه سازمان شخصیت، خرده‌مقیاس‌های پرخاشگری جسمی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت و مقیاس عاطفه مثبت و منفی به ترتیب ۰/۵۷، ۰/۱۸، ۰/۳۹، ۰/۴۴، ۰/۲۱، -۰/۴۰ به دست آمد (منجم و همکاران، ۲۰۱۸).

۳. **مقیاس سنجش مقاومت (RAS):** این مقیاس که دارای ۴۰ سوال پنج‌گزینه‌ای (اصلاً، کمی، نسبتاً، تقریباً زیاد، کاملاً) است با استفاده از سوال‌های مقیاس خودافشایی هیجانی اسنل و همکاران (۲۰۰۱) با تغییراتی در نحوه پاسخ‌دهی بیمار توسط عاشورپور و همکاران (۲۰) ساخته شده است. به‌عنوان مثال "آیا برای شما مشکل است احساس خشم خود را با درمانگر در میان بگذارید؟ به جای "آیا احساس خشم خود

را به درمانگر ابراز کرده‌اید؟ قرار گرفت. روایی و اعتبار آن در پژوهش نوروبی و همکاران (۱۳۸۷) برابر با ۰/۹۴ و اعتبار بازآزمایی برابر با ۰/۷۹ بدست آمد.

روش اجرا

این پژوهش از آمار توصیفی برای دسته‌بندی مشخصات فردی آزمودنی‌ها به منظور محاسبه فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار استفاده شد. همچنین در این پژوهش روش آمار استنباطی استفاده شده است. از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای تشخیص نرمال بودن داده‌ها، و از ضریب همبستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری استفاده شد. در راستای برازندگی الگوی پیشنهادی، از شاخص مجذور خی دو بر درجه آزادی، شاخص نکویی تطبیقی CFI، شاخص نکویی برازش GFI، شاخص نکویی برازش تطبیقی AGFI و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب RMSEA بررسی شد. جهت تحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزارهای SPSS.22 و AMOS.22 استفاده شد. سطح معناداری در این پژوهش ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

نمونه پژوهش حاضر را ۲۷۰ نفر مرد (۶۵/۵۳٪) و ۱۴۲ نفر زن (۳۴/۴۶٪) تشکیل داده بودند. میانگین سنی شرکت کنندگان ۳۶/۹۳ سال با انحراف استاندارد ۹/۲۹ سال بود. ۲۱۲ نفر (۵۱/۴۵٪) دارای مدرک کارشناسی، ۱۲۰ نفر (۲۹/۱۲٪) دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۸۰ نفر (۱۹/۴۲٪) دارای مدرک دکتری بودند. در ادامه میانگین و انحراف استاندارد نمرات متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

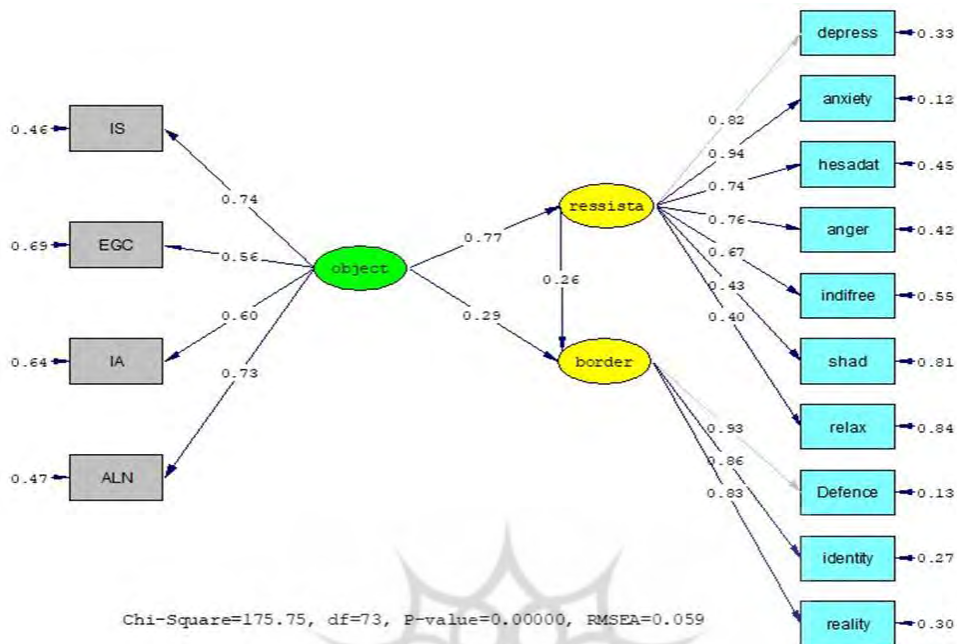
متغیرها	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
بی‌کفایتی اجتماعی	۱۶/۴۴	۱/۹۶	-۱/۳۷	۱/۱۲
خودمیان بینی	۱۹/۳۶	۱/۸۴	۰/۰۵۵	۰/۲۴۰
دل‌بستگی ناایمن	۱۵/۰۶	۲/۵۰	-۰/۱۸۲	-۰/۸۹۰
بیگانگی	۱۰/۴۴	۱/۴۲	-۰/۹۴۴	۰/۴۵۱
دفاع	۲۵/۹۸	۹/۲۶	۰/۵۰۵	-۰/۶۴۷
هویت	۲۳/۸۹	۶/۹۵	۰/۰۷۸	-۰/۶۳۳
واقعیت	۴۴/۴۷	۱۸/۷۸	۰/۸۱۳	-۰/۴۹۵
افسردگی	۲۰/۵۸	۳/۸۲	-۱/۵۸	۱/۲۷
اضطراب	۲۶/۹۰	۶/۲۴	-۱/۶۲	۱/۴۳
حسادت	۱۶/۸۸	۲/۷۴	-۰/۹۶۸	۰/۱۸۲
خشم	۲۰/۱۶	۴/۰۹	-۱/۴۴	۰/۹۶۹
بی‌تفاوتی	۱۶/۷۴	۲/۶۴	-۰/۸۸۷	۰/۲۲۹
شاد	۱۶/۰۹	۲/۸۵	-۰/۶۹۲	-۰/۵۱۴
آسایش	۱۶/۲۵	۳/۱۲	-۰/۶۹۰	-۰/۶۶۳

در این مطالعه فرض نرمال بودن چندمتغیری با محاسبه شاخص کشیدگی چندمتغیری نسبی بررسی شد که مقدار آن برابر ۱/۲۹۱ بدست آمد. بنتلر (۳۲)، معتقد است در صورتی که ارزش این شاخص بیشتر از ۳ نباشد، نرمال بودن چندمتغیری محقق شده است. بنابراین توزیع تمامی ترکیب‌های متغیرها نرمال است. بررسی پیش فرض عدم وجود هم خطی چندگانه به وسیله واریانس همبستگی بین متغیرهای مشهود انجام شد. بررسی این ماتریس حاکی از عدم وجود هم خطی چندگانه بین آنها است. ضرایب همبستگی در دامنه $0/80 \leq r \leq 0/17$ قرار دارند. ضرایب همبستگی که بالای $0/85$ باشند در تخمین صحیح مدل مشکل ایجاد می‌کنند (بنتلر، ۱۹۹۵). بنابراین فرض عدم وجود هم خطی چندگانه نیز محقق شده است. مدلیابی معادلات ساختاری با کاربرد روش تخمین حداکثر درست‌نمایی برای ارزیابی مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری به کار برده شد. مدل اندازه‌گیری ارتباط متغیرهای مشهود را با متغیرهای مکنون مشخص می‌کند. ارزیابی این مدل با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی انجام می‌شود. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری که در جدول ۳ ارائه شده است، برازش مطلوب این مدل را نشان می‌دهد. بنابراین متغیرهای مشهود توانایی لازم برای عملیاتی کردن متغیرهای مکنون را دارند.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری پژوهش

	GFI	CFI	AGFI	SRMR	RMSEA	RFI	X2/DF	Chi-Square	
مدل اندازه‌گیری	۰/۹۴	۰/۹۸	۰/۹۲	۰/۰۴۲	۰/۰۵۹	۰/۹۸	۲/۴۰	۱۷۵/۷۵	
مدل ساختاری	۰/۹۴	۰/۹۸	۰/۹۲	۰/۰۴۲	۰/۰۵۹	۰/۹۸	۲/۴۰	۱۷۵/۷۵	

هم‌چنین ارزیابی مدل ساختاری با استفاده از روش مدلیابی معادلات ساختاری نشان داد که تمامی شاخص‌های برازش این مدل فرضی به غیر از RMSEA، در محدوده برازش مطلوب قرار دارد. شاخص‌های برازش مربوط به این مدل در جدول ۲ دیده می‌شود. شکل ۱ مدل ساختاری مفهومی را به همراه ضرایب استاندارد به تصویر می‌کشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود روابط موضوعی به عنوان متغیر برون‌زا، به ترتیب با ضریب استاندارد ۰/۷۷ ($t\text{-values}=13/96$)، ۰/۲۶ ($t\text{-values}=2/97$) بر مقاومت‌پذیری و ساختار شخصیت مرزی تاثیر دارد. مقاومت‌پذیری نیز با ضریب استاندارد ۰/۲۶ ($t\text{-values}=2/80$) بر ساختار شخصیت مرزی تاثیر می‌گذارد. با توجه به اینکه در مدل ساختاری، معناداری ضریب مسیر با استفاده از مقدار T (T-value) مشخص می‌شود. چنانچه مقدار t بیش از ۱/۹۶ باشد ارتباط دو سازه معنادار است، بنابراین تمامی مسیرها معنادار است. در مدل فرضی، مقاومت‌پذیری، اثر روابط موضوعی بر ساختار شخصیت مرزی را واسطه‌گری می‌کند. به این صورت که روابط موضوعی بر مقاومت‌پذیری اثر می‌گذارد، مقاومت‌پذیری بر ساختار شخصیت مرزی اثر می‌گذارد. شاخص‌های برازش مربوط به این مدل در جدول فوق مشاهده می‌شود. شاخص‌ها نشان دهنده برازش بسیار مناسب مدل فرضی است.



شکل ۱. مدل ساختاری استاندارد شده پژوهش

در مطالعه حاضر برای ارزیابی روابط واسطه‌ای از آزمون بوت استرپ استفاده شد. بوت استرپ قدرتمندترین و منطقی‌ترین روش را برای ارزیابی اثرات غیر مستقیم فراهم می‌آورد. ارزیابی معنی‌داری این روابط را می‌توان به دو طریق بررسی کرد. روش اول با مراجعه به سطوح معنی‌داری و روش دوم با بررسی فاصله‌های اطمینان. در صورتی که حد بالا و پایین با فاصله اطمینان ۹۵٪ برای مسیر واسطه‌ای هم علامت باشند (هر دو مثبت یا هر دو منفی) و یا به عبارتی مقدار صفر بین این دو حد قرار نگیرد مسیر مورد نظر در سطح $p < 0.05$ معنی دار است. جدول ۴ اثرات غیر مستقیم یا میانجی را برای مدل فرضی نشان می‌دهد. براساس مندرجات این جدول اثر روابط موضوعی بر ساختار شخصیت مرزی با واسطه‌گری مقاومت‌پذیری دارای ضریب استاندارد ۰/۱۹۵ ($p = 0.04$) است.

جدول ۴. نتایج آزمون بوت استرپ برای روابط واسطه‌ای

متغیر مستقل	متغیر واسطه	متغیر وابسته	حدود بوت استرپ		خطای برآورد	اندازه اثر معنی‌داری	سطح معنی‌داری
			حد بالا	حد پایین			
روابط موضوعی	مقاومت-پذیری	ساختار شخصیت مرزی	۰/۲۹۷	۰/۰۰۲	۰/۰۷۳	۰/۱۹۵	۰/۰۴

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد که سازمان شخصیت مرزی هم به‌صورت مستقیم از طریق روابط موضوعی و هم به‌صورت غیرمستقیم از طریق مقاومت‌پذیری تبیین می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های عباسی‌راد

و همکاران (۲۰۲۱)، تمدنی فرد و همکاران (۲۰۱۶) همسو می‌باشد. براساس نظر کرنبرگ، بیماران مبتلا به شخصیت مرزی، پرخاشگری افراطی یا مازاد دارند؛ یعنی به دلیل مسایل فطری زیربنایی و یا ناکامی نیازهای اولیه آنها توسط مراقبان غیر حساس، میزان پرخاشگری‌شان بیش از حد معمول است. به همین دلیل انسجام نظام‌های همانندسازی تصاویر متضاد، بیش از خود تهدیدکننده خواهد بود. در گذشته تحولی بیماران مبتلا به شخصیت مرزی درست در زمانی که این انسجام در حال وقوع بوده است، شدت خشم و نفرت معطوف به یک تصویر بد، شاید تصویر خوب را نابود کرده و بنابراین، انسجام واقعی میان عشق و نفرت یا تصاویر خوب و بد اتفاق نیفتاده است. حتی اگر قرار بود بیماران مبتلا به شخصیت مرزی به درک مفهوم یکپارچه و منسجمی از چهره‌های مهم زندگی خود برسند، باز هم تصاویر بد از چنان خشم و نفرتی برخوردار بود که می‌توانست تصاویر خوب را منهدم و در نتیجه، شیء خوب (یعنی مادر خوب) را تنها بگذارد (کلارکین و همکاران، ۲۰۰۷). کرنبرگ (۱۹۸۴) مطرح کرد که تجارب نامطلوب کودکی باعث می‌شود که کودکان بازنمایی‌های موضوعی مختلفی را درونی کنند که در یکپارچه کردن جنبه‌های مهرآمیز و نامهرآمیز کسانی که به آن‌ها نزدیک اند، واقع نمی‌شوند. در نتیجه این روابط موضوعی مختل، من‌ناایمن پدید می‌آید که ویژگی اصلی سازمان شخصیت مرزی است. از دیدگاه روابط موضوعی، توانایی برقراری روابط ارضاکنده متقابل تا حدودی به الگوی درون فکنی شده‌ی ناشی از تعاملات اولیه با والدین و نگرش نسبت به آنها و افراد مهم مربوط است (لین و همکاران، ۲۰۲۱). در طی این فرایند، فرد بازنمایی‌های ذهنی کودکان خود از والدین را به عنوان چهره‌های همه‌توان قدرتمند از دست می‌دهد. در خلال این دوره رشد نوجوان شروع به ایجاد یک حس جدایی خویش از سیستم خانواده می‌نماید. این تغییرات تدریجی نوجوان را قادر می‌سازد به طور فزاینده‌ای در فرایند خودتنظیمی مستقل شده، در راه اهداف و توانایی‌های خود گام بردارد و تمایل به پذیرش مسئولیت پیدا کند که این امر، پیش‌نیازی برای روابط پخته‌تر با دیگران محسوب می‌شود. مشخصه خاص این روابط پخته، امکان برقرار تعامل دوجانبه با استفاده از دفاع‌های متناسب در روابط است. حرکت فرد به سوی یک سازش یافتگی سالم در انتخاب دفاع، به گونه‌ای تنگاتنگ، به دست‌یابی وی به روابط پایدار و مستقل، کمک می‌کند. از این‌رو، فرد در زمان‌های شکست یا استرس می‌تواند با استفاده از دفاع‌های پخته‌تر، روابط خود را حفظ کند.

در مسیر طبیعی رویدادها، روابط موضوعی تعارضی یک بیمار، در زندگی روزمره و در رابطه‌اش با درمانگر بی‌طرف، فعال می‌شوند. وقتی این روابط فعال شدند، بین میل به استقرار روابط موضوعی تعارضی فعال شده و تمایل مخالف به سرکوبی بیشتر یا دفاع در مقابل ابراز مستقیم‌شان، نزاع در می‌گیرد. تحلیل مقاومت به فرایند کشف و تفسیر عملکردهای دفاعی به محض فعال شدن و استقرار در درمان، اطلاق می‌شود (کلیر و همکاران، ۲۰۰۷). شبیه به طیف اتوکرنبرگ، دو طیف تعریف شده است، یکی با بیماران با ساختار شخصیتی شکننده از سطوح خفیف تا شدید، و دیگری بیماران بدون شکنندگی است. بیماران با شکنندگی، طیف دفاع‌های اولیه و اختلال ادراکی شناختی را تجربه می‌کنند. بیماران روان‌رنجور با افزایش ترومای اولیه و افزایش بیشتر شدت احساسات پیچیده و دفاع‌ها از مقاومت کم به مقاومت متوسط و پس از آن به سمت مقاومت شدید می‌روند. طیف بیماران شکننده از شکنندگی خفیف به سمت شکنندگی شدید با تفاوتی که در چگونگی افزایش اضطراب بیمارانی که قبل از روبه‌رو شدن با اختلال ادراکی شناختی یا دفاع‌های اولیه،

وجود دارد، می‌رود. این دوگروه عمده از لحاظ تروما و تاریخچه دل‌بستگی، مدت درمان، نتایج و فرایند روان‌درمانی متفاوت‌اند (عباس، ۲۰۱۵).

با این‌که یافته‌ها از مدل فرضی پژوهش حمایت‌کردند، نتایج این پژوهش باید با در نظر گرفتن محدودیت‌های آن تفسیر شود. ابتدا اینکه مطالعه حاضر روی بیماران اسکیزوفرنیک که جمعیت نسبتاً همگنی هستند، انجام شده است؛ بنابراین، در تعمیم نتایج به جمعیت‌های دیگر محدودیت وجود دارد. از سویی، هرچند بسیاری از پژوهشگران از مفهوم‌سازی اختلالات روانی در ساختاری ابعادی حمایت می‌کنند و بر این باورند که نتایج به دست آمده از محیط‌های بالینی و غیر بالینی تا حد زیادی مطابق هم هستند. باید در تعمیم نتایج این مطالعه به محیط غیر بالینی احتیاط کرد. محدودیت دیگر اینکه ماهیت مقطعی مطالعه حاضر، مانع استنتاج‌های علی و شناخت دقیق ماهیت واقعی روابط بین متغیرهای پژوهش می‌شود. احتمال زیادی وجود دارد که ترتیب زمانی شکل‌گیری متغیرها براساس مدل فرضی ارائه‌شده باشد؛ با وجود این، قطعاً نمی‌توان بر پایه این مطالعه حالت‌های جایگزین دیگر را رد کرد. سرانجام اینکه در این مطالعه برای ارزیابی هر کدام از متغیرها تنها از یک ابزار اندازه‌گیری خودسنجی استفاده شد. استفاده از روش‌های اندازه‌گیری متنوع می‌تواند به مفهوم‌سازی بهتر متغیر کمک کند. با توجه به محدودیت‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود مطالعه حاضر روی جمعیت بالینی یا جمعیت‌های غیردانشجویی نیز انجام شود تا توان تعمیم‌دهی یافته‌های آن افزایش یابد. هم‌چنین به منظور استنتاج روابط علی و شفاف کردن توالی زمانی بین متغیرهای پژوهش، انجام مطالعات طولی پیشنهاد می‌شود.

ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. با توجه به شرایط و زمان تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤال‌ها، شرکت‌کنندگان در مورد خروج از پژوهش مختار بودند. پس از اتمام پژوهش گروه گواه نیز تحت مداخله قرار گرفتند.

مشارکت نویسندگان

پژوهش حاضر حاصل اقتباس از رساله دکتری نویسنده اول بود که توسط معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد به تصویب رسیده است. نویسنده این پژوهش در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی سازی نقش داشت.

تشکر و قدردانی

نویسندگان پژوهش حاضر بر خود لازم دانستند که از کلیه افرادی که در پژوهش شرکت نمودند، کمال تشکر و سپاس خود را ابراز نمایند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

References

- Abasi-Rad, B., MONIRPOOR, N., & Mirza-Hoseini, H. (2021). The Relevance of Child's Attitude toward Father and Borderline Personality Organization: The Mediator of Object Relations. *Journal of Psychology*, 1(97), 0.
- Abbass, A. (2015). *Reaching through resistance: Advanced psychotherapy techniques*. Seven leaves press.

- Arbab, H., Mirzahosini, H., & Monirpoor, N. (2020). Predicting the Substance Use Relapse according to Childhood Trauma: Mediating Role of Object Relations Alienation, Borderline Personality Organization & Depression. *Journal of Clinical Psychology*, 11(4), 1-12.
- Ashourpour, M., Djalali, M., Djazayery, A., Eshraghian, M. R., Taghdir, M., & Saedisomeolia, A. (2010). Relationship between serum ferritin and inflammatory biomarkers with insulin resistance in a Persian population with type 2 diabetes and healthy people. *International Journal of Food Sciences and Nutrition*, 61(3), 316-323.
- Bell, M. D., Billington, R. J., & Becker, B. R. (1985). Scale for the assessment of reality testing: reliability, validity, and factorial invariance. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 53(4), 506.
- Caligor, E., Kernberg, O. F., & Clarkin, J. F. (2007). *Handbook of dynamic psychotherapy for higher level personality pathology*. American Psychiatric Pub.
- Clarkin, J. F., Lenzenweger, M. F., Yeomans, F., Levy, K. N., & Kernberg, O. F. (2007). An object relations model of borderline pathology. *Journal of personality disorders*, 21(5), 474-499.
- Eurelings-Bontekoe, E. H., Luyten, P., IJssennagger, M., van Vreeswijk, M., & Koelen, J. (2010). Relationship between personality organization and Young's cognitive model of personality pathology. *Personality and Individual Differences*, 49(3), 198-203.
- Ghanadzadegan, F., Rahimian Boogar, I., & Pourasghar, M. (2021). Effectiveness of short-term object relation psychotherapy on interpersonal relationships, self-destruct behaviors and personality organization in patients with borderline personality disorder: A clinical trial study. *Journal of Gorgan University of Medical Sciences*, 22(4), 30-39.
- Handelzalts, J. E., Fisher, S., & Naot, R. (2014). Object relations and real life relationships: A cross method assessment. *Scandinavian journal of psychology*, 55(2), 160-167.
- Hébert, É., Diguier, L., Descôteaux, J., Daoust, J. P., Rousseau, J. P., Normandin, L., & Scullion, M. (2003). The Personality Organization Diagnostic Form (PODF): A preliminary report on its validity and interrater reliability. *Psychotherapy Research*, 13(2), 243-254.
- Hörz-Sagstetter, S., Ohse, L., & Kampe, L. (2021). Three dimensional approaches to personality disorders: a review on personality functioning, personality structure, and personality organization. *Current psychiatry reports*, 23(7), 1-16.
- Kelly, F. D. (2014). *The Assessment of Object Relations Phenomena in Adolescents: Tat and Rorschach Measu*. Routledge.
- Kernberg, O. F. (1984). The couch at sea: Psychoanalytic studies of group and organizational leadership. *International Journal of Group Psychotherapy*. 34(1), 5-23.
- Kovács, L. N., Kocsel, N., Galambos, A., Magi, A., Demetrovics, Z., & Kökönyei, G. (2021). Validating the bifactor structure of the Ruminative Thought Style Questionnaire—A psychometric study. *PloS one*, 16(7), e0254986.
- Lenzenweger, M. F., Clarkin, J. F., Kernberg, O. F., & Foelsch, P. A. (2001). The inventory of personality organization: psychometric properties, factorial composition, and criterion relations with affect, aggressive dyscontrol, psychosis proneness, and self-domains in a nonclinical sample. *Psychological assessment*. 13(4), 577.
- Lenzenweger, M. F., McClough, J. F., Clarkin, J. F., & Kernberg, O. F. (2012). Exploring the interface of neurobehaviorally linked personality dimensions and personality organization in borderline personality disorder: The Multidimensional Personality Questionnaire and Inventory of Personality Organization. *Journal of personality disorders*, 26(6), 902-918.

- Lin, H. P., Kuhlen, A. K., & Abdel Rahman, R. (2021). Ad-hoc thematic relations form through communication: effects on lexical-semantic processing during language production. *Language, Cognition and Neuroscience*, 36(9), 1057-1075.
- Monajem, A., Monirpour, N., & Mirzahosseini, H. (2018). Structural Relationships of the Personality Organization, Object Relations and Defense Mechanisms with Pathological Eating Disorder. *Journal of Clinical Psychology*, 10(2), 1-14.
- Rinkinen, J., Jalas, M., & Shove, E. (2015). Object relations in accounts of everyday life. *Sociology*, 49(5), 870-885.
- Sandler, J., Dare, C., Holder, A., & Dreher, A. U. (2018). *The patient and the analyst: The basis of the psychoanalytic process*. Routledge.
- Snell, W. E., Jr. (2001). Development of the Emotional Self-Disclosure Scale. In W.E. Snell, (Ed.). *New directions in the psychology of gender roles: Research and theory*. Cape Girardeau, Mo:Snell publications.
- Tamaddonfard, M., & Monirpoor, N. (2016). The quality of mother-child relationship and borderline personality: The role of mediator object relations. *International Journal of Educational and Psychological Researches*, 2(4), 238.
- Westen, D. (1991). Social cognition and object relations. *Psychological bulletin*, 109(3), 429.



نسخه فارسی مقیاس روابط موضوعی بل (BORI)

نادرست	درست	حداقل یک رابطه پایدار و رضایت‌بخش دارم.
نادرست	درست	همواره وقتی کسی از من خوشش نیاید، سعی بیشتری میکنم تا برای او خوب جلوه کنم.
نادرست	درست	می‌خواهم برای همیشه در خلوت خودم باشم.
نادرست	درست	گاهی پیش می‌آید که هفته‌ها از دیگران فاصله گرفته و با کسی صحبت نمی‌کنم.
نادرست	درست	معمولاً نزدیک‌ترین کسانم را در نهایت آزاده خاطر می‌کنم.
نادرست	درست	اطرافیانم با من بیشتر مانند یک کودک رفتار میکنند تا یک بزرگسال.
نادرست	درست	اگر فردی را که خوب میشناسم از من دور شود، دلم برایش تنگ میشود.
نادرست	درست	من میتوانم اختلاف‌نظرهایی که در خانه پیش می‌آید را بدون برهم زدن روابط خانوادگی حل و فصل کنم.
نادرست	درست	من بینهایت نسبت به انتقاد حساس هستم.
نادرست	درست	اعمال قدرت بر دیگران، برای من لذتی پنهانی و درونی است.
نادرست	درست	گاهی برای رسیدن به خواستهام تقریباً هر کاری انجام میدهم.
نادرست	درست	غالباً وقتی فردی که به من نزدیک است تمام توجهش را به من معطوف نمیکند، احساس آزردگی و طرد میکنم.
نادرست	درست	اگر به کسی نزدیک شوم و او غیر قابل اعتماد از آب درآید، از خودم به خاطر اوضاع پیش‌آمده بدم می‌آید.
نادرست	درست	نزدیک شدن به هرکسی برایم دشوار است.
نادرست	درست	زندگی جنسی من رضایت‌بخش است.
نادرست	درست	تمایل دارم همانطور که دیگران از من انتظار دارند، باشم.
نادرست	درست	هر چقدر هم که یک رابطه بد شود، من هم چنان آن را ادامه خواهم داد.
نادرست	درست	من هیچ تأثیری روی اطرافیانم ندارم.
نادرست	درست	افراد را که نمیبینم، انگار اصلاً برایم وجود ندارند.
نادرست	درست	در زندگی ضربه‌های زیادی خورده‌ام.
نادرست	درست	کسی را دارم که بتوانم از درونیت‌ترین احساساتم با او صحبت کنم و او نیز چنین احساساتی را با من در میان بگذارد.
نادرست	درست	هرچقدر هم که برای اجتناب از مشکلات تلاش کنم، باز هم همان مشکلات در اکثر ارتباط‌های مهم من ظاهر می‌شوند.
نادرست	درست	خیلی دوست دارم با کسی به طور کامل هم عقیده باشم.
نادرست	درست	در روابط با فرد دیگر، فقط در صورتی احساس رضایت میکنم که تمام وقت با او باشم.
نادرست	درست	افراد دیگر را به درستی مورد قضاوت قرار میدهم.
نادرست	درست	روابط با جنس مخالف همیشه برای من به نحو یکسانی پیش میرود.
نادرست	درست	دیگران دائماً سعی در تحقیر من دارند.
نادرست	درست	معمولاً در تصمیم‌گیری‌های خودم، به دیگران متکی هستم.
نادرست	درست	معمولاً، از اینکه به کسی اعتماد کردم، پشیمان شده‌ام.
نادرست	درست	وقتی از فردی که با من نزدیک است عصبانی باشم میتوانم با او در این مورد صحبت کنم.

نادرست	درست	برای رسیدن به آنچه می‌خواهم، بهترین روش، به‌کارگرفتن دیگران است.
نادرست	درست	اغلب وقتی اطراف افرادی از جنس مخالف هستم، عصبی می‌شوم.
نادرست	درست	اغلب نگرانم که از کارها کنار گذاشته شوم.
نادرست	درست	احساس می‌کنم باید همه را راضی کنم وگرنه ممکن است مرا طرد کنند.
نادرست	درست	گاهی ماهها با کسی حرف نمی‌زنم و کسی را نمی‌بینم.
نادرست	درست	به طرد شدن احتمالی از طرف افراد مهم در زندگیم حساس هستم.
نادرست	درست	دوست شدن با دیگران برایم کار مشکلی نیست.
نادرست	درست	نمیدانم چه طور با افراد جنس مخالف ملاقات یا صحبت کنم.
نادرست	درست	وقتی نمیتوانم فردی را که به من نزدیک است به انجام کاری وادار کنم، احساس آزرده‌گی یا عصبانیت می‌کنم
نادرست	درست	تقدیر من این است که زندگی را به تنهایی سپری کنم.
نادرست	درست	مردم هیچ وقت با هم روراست نیستند.
نادرست	درست	من زیاد برای روابطم مایه می‌گذارم و به همان میزان هم دریافت می‌کنم.
نادرست	درست	از ملاقات یا صحبت با افراد جنس مخالف خجالت می‌کنم.
نادرست	درست	برای من مهمترین چیز در یک رابطه، اعمال قدرت بر طرف مقابل است.
نادرست	درست	معتقدم که یک مادر خوب باید همیشه بچه‌هایش را خشنود سازد.

Structural relationship between borderline personality organization and thematic relationships: the mediating role of resistibility in young boys and girls

Faezeh Naseh Jahaghi¹, Hassan Mirzahoseini^{2*}, Nader Monirpour³

Abstract

Aim: The aim of this study was to explain the organization of border personality based on the initial thematic relationships and resilience. **Methods:** This descriptive study was performed by correlation method. The statistical population included all undergraduate and graduate students of Tehran universities in the academic year 1401-1400, of which 412 were selected using the available sampling method. Participants completed the Bell et al. (1985) Thematic Relationships Questionnaire, the Kernberg Borderline Personality Organization (2002), and the Ashourpour et al. (2010) Resilience Scale. Structural equation modeling was performed using the data obtained from the questionnaires. **Results:** The results showed that thematic relationships directly explain 0.29% and due to resilience 0.19% of the borderline personality structure. Overall, the estimation of the structural model in which the thematic relations of the predictor variable and resilience were entered as mediating variables, showed that this model explains 0.19% of the borderline personality structure ($P < 0.01$). **Conclusion:** Therefore, it can be concluded that borderline personality organization is only indirectly and negatively explained by thematic relationships through resistance.

Keywords: Primary thematic relationships, Boundary personality structure, Resilience.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Ph.D. Student, Department of Counseling, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

2. *Corresponding author: Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

Email: mirzahoseini.hasan@yahoo.com

3. Department of Family Counseling, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran